راهنمای استفاده از کتاب

برای کسب بهترین نتیجه در امتحانات مدرسه گام‌های زیر را به ترتیب برای هر فصل طی کنید.

گام اول

فیلم آموزشی

۱. هر فصل به تعدادی جلسه تقسیم شده است.
۲. برای استفاده از فیلم‌های آموزشی هر جلسه QR-Codeهای صفحه بعد را اسکن کنید.
۳. در هر جلسه مطالب کتاب درسی درس به درس تدریس شده است.
۴. تمرین‌ها و فعالیت‌های کتاب درسی به صورت کامل تدریس شده است.

گام دوم

درسنامه آموزشی

۱. کلمه‌های جدید هر درس به همراه معنی آن‌ها و تعیین نوع کلمه (اسم، صفت، فعل و ...) آورده شده است. این کلمه‌ها در قالب یک جمله با ترجمهٔ فارسی آن آورده شده است تا کلمه‌های جدید به‌صورت کاربردی نشان داده شوند. در ضمن ترتیب این کلمه‌ها به صورت سطر به سطر می‌باشد.
۲. بخش گرامر، نگارش و تلفظ هر درس به‌طور کامل تشریح شده است. در درس‌نامه‌های هر درس، نمونه مثال‌های تشریحی و تستی با پاسخ کاملِ تشریحی منظور شده است تا به فهمِ عمیق مطالب کمک کند.
۳. کلیهٔ متن‌های کتاب درسی خط به خط با ترجمهٔ روان و سلیس آورده شده است.
۴. تمامی واژگان جدید سال یازدهم به صورت الفبایی در انتهای جلد اول آورده شده است.

گام سوم

پرسش‌های تشریحی

۱. سؤال‌های امتحانی هر درس، در قالبِ ((واژگان))، ((گرامر))، ((نگارش))، ((مکالمه))، متن "Cloze" و متن "Reading Comprehension" منظور شده است و انواعِ سؤال‌های تشریحی را پوشش می‌دهد که دارای پاسخ‌های کاملاً تشریحی است.
۲. سؤال‌های هر درس همهٔ مطالب کتاب درسی را پوشش می‌دهد.
۳. این سؤال‌ها دانش‌آموزان را برای امتحان‌های مدرسه آماده می‌کند.
۴. این سؤال‌ها می‌تواند منبع مناسبی برای ارزشیابی دبیران محترم باشد.
۵. در انتهای هر درس یک آزمون با پاسخ کاملاً تشریحی وجود دارد.

به جای آن‌که چندین کتاب بخوانید، کتاب‌های گاج را چندین بار بخوانید

جلد اول آمـــوزش

Lesson 1: Understanding People

Part 1: (Pages: 15-20) 10
Part 2: (Pages: 21-23) 14
Part 3: (Pages: 24-27) 15
Part 4: (Pages: 28-47) 19

Lesson 2: A Healthy Lifestyle

Part 1: (Pages: 49-54) 30
Part 2: (Pages: 55-57) 32
Part 3: (Pages: 58-63) 33
Part 4: (Pages: 64-79) 40

Lesson 3: Art and Culture

Part 1: (Pages: 81-86) 54
Part 2: (Pages: 87-89) 57
Part 3: (Pages: 90-94) 58
Part 4: (Pages: 95-107) 60

Irregular Verbs 71
A-Z Vocabulary 75

جلد دوم امـتـحـان

Lesson 1: Understanding People

Part 1: (Pages: 15-20) 84
Part 2: (Pages: 21-23) 85
Part 3: (Pages: 24-27) 87
Part 4: (Pages: 28-47) 88
Exam 101

Lesson 2: A Healthy Lifestyle

Part 1: (Pages: 49-54) 108
Part 2: (Pages: 55-57) 109
Part 3: (Pages: 58-63) 111
Part 4: (Pages: 64-79) 112
Exam 125

Lesson 3: Art and Culture

Part 1: (Pages: 81-86) 132
Part 2: (Pages: 87-89) 133
Part 3: (Pages: 90-94) 135
Part 4: (Pages: 95-107) 136
Exam 149

Exam 1 (Mid Year) 155
Exam 2 (Final) 160



بنام خداوند بخشاینده مهربان

﴿اللّهُمَّ اَخْرِجْنی مِنْ ظُلُماتِ الْوَهْمِ﴾

پروردگارا؛ خارج کن مرا از تاریکی‌های فکر

﴿وَاَکْرِمْنی بِنُورِ الْفَهْمِ﴾

و به نور فهم مرا گرامی بدار

﴿اللّهُمَّ افْتَحْ عَلَیْنا اَبْوابَ رَحْمَتِکَ﴾

پروردگارا؛ بر ما درهای رحمتت را بگشای

﴿وَانْشُرْ عَلَیْنا خَزائِنَ عُلُومِکَ﴾

و گنج‌های دانشت را بر ما بگُستران

﴿بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ﴾

به امید رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان

آموزش

جلد اوّل:



انگلیسی یازدهم
English 11

سیر تا پیاز

درس اوّل

Lesson 1

Understanding People

Lesson 1

PART 1 (Pages 15 - 20)

Title Page - Get Ready - Conversation

Vocabulary واژگان درس

written *(adj.)* نوشته، نوشتاری، نوشته شده، کتبی

The written exam is on Friday.

«آزمون نوشتاری (کتبی) در روز جمعه است.»

form *(n.)* شکل

Some languages have no written form.

«بعضی از زبان‌ها هیچ شکل نوشتاری ندارند.»

available *(adj.)* قابل دسترس، در دسترس

I'm sorry, the doctor is not available this afternoon.

«متأسفم، پزشک امروز بعد از ظهر در دسترس نیست.»

deaf *(adj.)* ناشنوا

She spoke loudly because her mother was a little deaf.

«او با صدای بلند صحبت کرد زیرا مادرش کمی ناشنوا بود.»

sign language *(n.)* زبان اشاره

Deaf people use sign language to communicate.

«افراد ناشنوا از زبان اشاره برای ارتباط برقرار کردن استفاده می‌کنند.»

communicate *(v.)* ارتباط برقرار کردن

People use language to communicate with each other.

«مردم از زبان استفاده می‌کنند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.»

parking lot *(n.)* پارکینگ

They are going to build a new parking lot downtown.

«آن‌ها قصد دارند در مرکز شهر یک پارکینگ جدید بسازند.»

turn off *(phr. v.)* خاموش کردن

You must turn off your cell phone. It's a rule.

«شما باید تلفن همراهتان را خاموش کنید. این یک قانون است.»

keep off *(phr. v.)* وارد نشدن

Keep off the grass.

«وارد چمن نشوید.»

grass *(n.)* چمن

Don't walk across the grass.

«روی چمن راه نروید.»

storybook *(n.)* کتاب داستان

He wrote many storybooks for children.

«او کتاب‌های داستان زیادی برای کودکان نوشت.»

foreigner *(n.)* (فرد) خارجی

I saw two foreigners in the museum.

«من در موزه دو (نفر) خارجی دیدم.»

besides *(adv., prep.)* علاوه بر، در کنارِ

Besides my mother tongue, Persian, I speak English, French and Russian well.

«من علاوه بر زبان مادریم فارسی، انگلیسی، فرانسوی و روسی را خوب صحبت می‌کنم.»

mother tongue *(n.)* زبان مادری

She felt more comfortable talking in her mother tongue.

«او با صحبت کردن به زبان مادری‌اش احساس راحت‌تری داشت.»

experience *(n.)* تجربه

Do you have much experience of working with children?

«آیا شما تجربهٔ زیادی از کار کردن با کودکان دارید؟»

absolutely *(adv.)* قطعاً، حتماً، مطلقاً

She did absolutely no work.

«او مطلقاً هیچ کاری انجام نداد.»

fluently *(adv.)* به طور روان، سلیس

John spoke French fluently.

«جان فرانسوی را سلیس صحبت می‌کرد.»

to be honest صادقانه (بگویم)

To be honest, I don't know where your money is.

«صادقانه (بگویم)، من نمی‌دانم پول شما کجا است.»

point *(n.)* نکته

You made some interesting points in your book.

«شما در کتابتان به چند نکتهٔ جالب اشاره کردید.»

IRIB صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

Ahmad is a translator who works for IRIB.

«احمد مترجمی است که برای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند.»

begin *(v.)* شروع شدن، شروع کردن

The movie begins at 7:30.

«فیلم ساعت ۷:۳۰ شروع می‌شود.»

high school *(n.)* دبیرستان

Tom and I went to the same high school.

«تام و من به یک دبیرستان رفتیم.»

institute *(n.)* مؤسسه

My father works for the Institute of Science.

«پدر من برای مؤسسهٔ علوم کار می‌کند.»

project *(n.)* پروژه

They are working on a project to build a new airport.

«آن‌ها بر روی یک پروژه برای ساختن یک فرودگاه جدید کار می‌کنند.»

Moscow *(n.)* مسکو

Is Moscow the capital of Russia?

«آیا مسکو پایتخت روسیه است؟»

You're welcome! خواهش می‌کنم!

"Thank you for your help." "You're welcome."

«از کمک شما متشکرم.» «خواهش می‌کنم.»

Russian *(adj.)* روسی، اهل روسیه

Is your language teacher Russian?

«آیا معلم زبان شما روسی است؟»

ترجمهٔ متن کتاب درسی

مکالمه "Conversation"

Babak Saberian is a translator who works for IRIB[1]. Today, he is hosting Meysam in his office. Meysam is a high school student. He is interviewing Mr. Saberian for his school project.

بابک صابریان یک مترجم است که برای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند. امروز او در دفتر کارش میزبان میثم است. میثم دانش‌آموز دبیرستان است. او در حال مصاحبه با آقای صابریان برای پروژهٔ مدرسه‌اش است.

Meysam: Thank you Mr. Saberian for inviting me to your office.
میثم: آقای صابریان از دعوت من به دفتر کارِتون متشکرم.

Mr. Saberian: You're welcome!
آقای صابریان: خواهش می‌کنم!

Meysam: I heard you know three languages. Is that right?
میثم: من شنیدم شما سه زبان می‌دونید. این درسته؟

Mr. Saberian: Well, actually four languages.
آقای صابریان: خُب، راستش چهار زبان.

Meysam: Four! Really? What languages do you know?
میثم: چهار! واقعاً؟ چه زبان‌هایی رو می‌دونید؟

Mr. Saberian: Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well.
آقای صابریان: من علاوه بر زبان مادری‌ام فارسی، انگلیسی، فرانسوی و روسی رو خوب می‌دونم.

Meysam: Interesting! And when did you learn them?
میثم: جالبه! و شما چه موقع اونا رو یاد گرفتید؟

Mr. Saberian: I began learning English at school when I was thirteen. Then I began learning French in a language institute when I was fifteen. And I learned Russian when I was a university student in Moscow.
آقای صابریان: من در مدرسه وقتی سیزده‌ساله بودم شروع به یادگیری انگلیسی کردم. بعد، وقتی پانزده‌ساله بودم در یک مؤسسهٔ زبان شروع به یادگیری فرانسوی کردم. و هنگامی‌که در مسکو دانشجو بودم روسی یاد گرفتم.

Meysam: Can you use all of them fluently?
میثم: آیا شما می‌تونید از همهٔ اونا روان استفاده کنید؟

Mr. Saberian: I know all of them well, but I use English more.
آقای صابریان: من همهٔ اونا رو خوب بلدم، اما از انگلیسی بیش‌تر استفاده می‌کنم.

1. Islamic Republic of Iran Broadcasting: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

Meysam: OK. Do you think language learning should start as early as possible?

میثم: بسیار خُب. آیا شما فکر می‌کنید یادگیری زبان باید تا حد امکان زود شروع بشه؟

Mr. Saberian: My experience says interest and hard work are really more important than age.

آقای صابریان: تجربهٔ من می‌گه علاقه و سخت‌کوشی واقعاً مهم‌تر از سن هستن.

Meysam: Hmm … that's an important point. May I know what your favorite language is? English, French, or Russian?

میثم: هووم ... این نکتهٔ مهمیه. آیا ممکنه بدونم زبان مورد علاقهٔ شما چیه؟ انگلیسی، فرانسوی یا روسی؟

Mr. Saberian: To be honest, I enjoy using them all, but my favorite language is absolutely my mother tongue!

آقای صابریان: صادقانه (بگم)، من از به کار بردن همهٔ اونا لذت می‌برم، اما زبان مورد علاقهٔ من قطعاً زبان مادریمه!

درسنامه

زبان‌ها و ملیت‌ها "Languages and Nationalities"

برای بیان ملیت‌ها هیچ قانون و قاعدهٔ خاصی وجود ندارد. برای این کار **معمولاً** به آخر نام کشورها، پسوندهایی مانند -an, -ese, -i, -sh اضافه می‌شود. دقت داشته باشید که **بعضی از ملیت‌ها نام زبان آن کشور نیز هستند**. شروع آن‌ها نیز با حرف بزرگ است.

Italy → Italian China → Chinese Iraq → Iraqi England → English

✶ جدول زیر را به خاطر بسپارید:

Country	Nationality	Language	معادل فارسی
Afghanistan	Afghan	Dari Persian, Pashtu	افغانستان
Armenia	Arminian	Arminian	ارمنستان
Azerbaijan	Azerbaijani	Azerbaijani Turkic	آذربایجان
Bangladesh	Bangladeshi	Bangla	بنگلادش
Bhutan	Bhutanese	Dzongkha	بوتان
Bulgaria	Bulgarian	Bulgarian	بلغارستان
China	Chinese	Standard Chinese (Mandarin/Putonghua)	چین
Czech Republic	Czech	Czech	جمهوری چک
France	French	French	فرانسه
Georgia	Georgian	Georgian; Russian	گرجستان
Germany	German	German	آلمان
Greece	Greek	Greek	یونان

درسنامه

Country	Nationality	Language	معادل فارسی
India	Indian	Hindi; English; Bengali	هندوستان
Iran	Iranian	Persian = Farsi	ایران
Iraq	Iraqi	Arabic; Kurdish	عراق
Italy	Italian	Italian	ایتالیا
Japan	Japanese	Japanese	ژاپن
Kazakhstan	Kazakhstani	Kazak; Russian	قزاقستان
Korea	Korean	Korean	کره
Laos	Laotian	Lao; French; English	لائوس
Myanmar	Burmese	Burmese	میانمار = برمه
Nepal	Nepalese	Nepali; Maithali	نپال
Oman	Omani	Arabic	عمان
Pakistan	Pakistani	Urdu; Punjabi	پاکستان
Poland	Polish	Polish	لهستان
Portugal	Portuguese	Portuguese; Mirandese	پرتغال
Russia	Russian	Russian	روسیه
Saudi Arabia	Saudi Arabian	Arabic	عربستان سعودی
Sweden	Swedish	Swedish	سوئد
Syria	Syrian	Arabic	سوریه
Tajikistan	Tajikistani	Tajik; Russian	تاجیکستان
Thailand	Thai	Thai (Siamese)	تایلند
Turkey	Turk	Turkish	ترکیه
United Arab Emirates	Emirati	Arabic	امارات متحدهٔ عربی
Uzbekistan	Uzbekistani	Uzbek; Russian	ازبکستان
Vietnam	Vietnamese	Vietnamese	ویتنام

تمرین جدول زیر را کامل کنید.

Country	Iran	.....	.....	Pakistan	Italy
Nationality	.....	.....	Spanish	.....	.....
Language	.....	Turkish	.....	.....	.....

Lesson 1

PART 2 (Pages 21 - 23)

New Words & Expressions

Vocabulary واژگان درس

farming *(n.)* کشاورزی
Mazandran is one of the best farming regions of Iran.
«مازنداران یکی از بهترین منطقه‌های کشاورزی ایران است.»

region *(n.)* منطقه، ناحیه
You can find this animal in the northern regions of Sweden.
«شما می‌توانید این حیوان را در منطقه‌های شمالی سوئد پیدا کنید.»

continent *(n.)* قاره
Africa is the poorest continent.
«آفریقا فقیرترین قاره است.»

exist *(v.)* وجود داشتن
Does life exist on the other planets?
«آیا زندگی در سیاره‌های دیگر وجود دارد؟»

native *(adj.)* بومی، محلی
I went back to my native country in 1993.
«من در سال ۱۹۹۳ به کشور بومی‌ام (زادگاهم) برگشتم.»

speaker *(n.)* گویش‌ور
Native speakers of different languages range in number.
«گویش‌وران بومی زبان‌های مختلف از نظر تعداد با هم متفاوت هستند.»

price *(n.)* قیمت
Prices in this country are high.
«قیمت‌ها در این کشور بالا هستند.»

range *(v.)* فرق کردن، تغییر کردن، متغیر بودن
The ages of the students in the class ranges from 18 to 50.
«سن دانش‌آموزان در کلاس از ۱۸ تا ۵۰ متغیر است.»

popular *(adj.)* محبوب، پرطرفدار
Baseball is a popular sport in the US.
«بیسبال یک ورزش محبوب در آمریکا است.»

percent *(n.)* درصد
Ten percent of the people who work here are men.
«ده درصد از افرادی که این‌جا کار می‌کنند مرد هستند.»

imagine *(v.)* تصور کردن، فرض کردن
Can you imagine life without electricity?
«آیا شما می‌توانید زندگی را بدون الکتریسیته (برق) تصور کنید؟»

space *(n.)* فضا
Imagine you are traveling in space.
«فرض کنید که شما در حال سفر در فضا هستید.»

by *(prep.)* تا، تا قبل از
I must finish this work by ten o'clock.
«من باید این کار را تا (قبل از) ساعت ده تمام کنم.»

meet the needs of برآورده کردن نیازهای
How can we meet the needs of all the different groups?
«ما چگونه می‌توانیم نیازهای همهٔ گروه‌های مختلف را برآورده کنیم؟»

century *(n.)* قرن، سده
We are living at the beginning of the twenty-first century.
«ما در ابتدای قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم.»

explain *(v.)* توضیح دادن، شرح دادن
The teacher usually explains the new words to us.
«معلم معمولاً کلمه‌های جدید را برای ما توضیح می‌دهد.»

word *(n.)* کلمه، لغت
What's the Italian word for "cat"?
«کلمهٔ «cat» به زبان ایتالیایی چیست؟»

by means of توسطِ، با استفاده از
They traveled to London by means of train.
«آن‌ها با استفاده از قطار به لندن رفتند.»

society *(n.)* جامعه
We live in an Islamic society.
«ما در یک جامعهٔ اسلامی زندگی می‌کنیم.»

ability *(n.)* توانایی
She has the ability to do the job, but she must work harder.
«او توانایی انجام آن کار را دارد، اما باید سخت‌تر کار کند.»

amount *(n.)* مقدار، میزان
He spent a large amount of money yesterday.
«او دیروز مقدار زیادی پول خرج کرد.»

population *(n.)* جمعیت
China makes up 18٪ of the world's population.
«چین ۱۸٪ جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهد.»

despite *(prep.)* علی‌رغم، برخلافِ، با وجود
We are going out despite the bad weather.
«ما علی‌رغم هوای بد بیرون می‌رویم.»

take notice of توجه کردن به، توجه داشتن به
I didn't take any notice of what she said.
«من هیچ توجهی به آن‌چه او گفت نکردم.»

physical *(adj.)* فیزیکی، جسمی، جسمانی
I do some physical exercise every morning.
«من هر روز صبح ورزش فیزیکی انجام می‌دهم.»

mental *(adj.)* ذهنی، فکری
Do you have a mental picture of the accident?
«آیا تصویر ذهنی از تصادف دارید؟»

vary *(v.)* فرق داشتن، تغییر کردن، متغیر بودن
Class sizes vary from 8 to 15.
«اندازهٔ کلاس‌ها از ۸ تا ۱۵(نفر) متغیر است.»

each other *(pron.)* یکدیگر، همدیگر
Tom and John looked at each other angrily.
«تام و جان با عصبانیت به یکدیگر نگاه کردند.»

make up *(phr. v.)* تشکیل دادن
Women make up 56% of the student numbers.
«زن‌ها ۵۶٪ تعداد دانشجوها را تشکیل می‌دهند.»

Lesson 1

PART 3 (Pages 24 - 27)

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development

Vocabulary واژگان درس

through *(prep.)* از طریقِ، توسطِ
The little boy got in through the window.
«آن پسر کوچک از طریق پنجره به داخل رفت.»

greatly *(adv.)* زیاد، بسیار، تا حد زیادی
The quality of health care varies greatly.
«کیفیت مراقبت‌های سلامت تا حد زیادی متفاوت است.»

so *(conj.)* بنابراین
There are no chairs available, so you must stand.
«هیچ صندلی‌ای در دسترس نیست، بنابراین شما باید بایستید.»

surprising *(adj.)* شگفت‌آور
It's not surprising that they lost.
«شگفت‌آور (تعجب‌آور) نیست که آن‌ها باختند.»

communication *(n.)* ارتباط
Parents need to have good communication with their children.
«والدین باید ارتباط خوبی با فرزندانشان داشته باشند.»

spoken *(adj.)* گفتاری، شفاهی
The spoken language is different from the written language.
«زبان گفتاری با زبان نوشتاری تفاوت دارد.»

wish *(n.,v.)* آرزو، آرزو کردن
I'm sure that you will get your wishes.
«من مطمئن هستم که تو به آرزوهایت خواهی رسید.»

feeling *(n.)* احساس
He likes to talk about his feelings.
«او دوست دارد در مورد احساساتش صحبت کند.»

means *(n.)* وسیله، روش، شیوه
Television is a means of communication.
«تلویزیون یک وسیلهٔ برقراری ارتباط است.»

impossible *(adj.)* غیرممکن
It is impossible to imagine the world without language.
«غیرممکن است که دنیا را بدون زبان تصور کرد.»

therefore *(adv.)* بنابراین، پس
It was late, therefore I didn't stay long.
«دیر بود، بنابراین من به مدت طولانی نماندم.»

no matter مهم نیست
Call me when you get there, no matter what the time is.
«هرموقع به آن‌جا رسیدی با من تماس بگیر، مهم نیست که ساعت چند است.»

synonym *(n.)* مترادف
Synonyms are words with similar meanings.
«مترادف‌ها کلمه‌هایی با معنی مشابه هستند.»

tiny *(adj.)* خیلی کوچک، ریز
He's from a tiny town that you've never heard of.
«او اهل یک شهر خیلی کوچک است که شما هرگز از آن نشنیده‌اید.»

simple *(adj.)* ساده، آسان
The camera is simple to use.
«استفاده کردن از این دوربین ساده است.»

seek *(v.)* جست‌وجو کردن، به دنبال ... گشتن
Some animals seek the sun to warm their bodies.
«بعضی از حیوانات به دنبال آفتاب می‌گردند تا بدنشان را گرم کنند.»

search for جست‌وجو کردن، در جست‌وجوی ... بودن
They're searching for the lost child.
«آن‌ها در جست‌وجوی بچهٔ گم‌شده هستند.»

luckily *(adv.)* خوشبختانه
There was an accident, luckily, no one was hurt.
«تصادفی رخ داد، خوشبختانه هیچ‌کس صدمه ندید.»

largely *(adv.)* زیاد، بسیار، تا حد زیادی
This story is largely true.
«این داستان تا حد زیادی واقعی است.»

form *(v.)* تشکیل دادن، تشکیل شدن
This project forms part of a larger project.
این پروژه بخشی از یک پروژهٔ بزرگ‌تر را تشکیل می‌دهد.»

Oceania *(n.)* اقیانوسیه
Oceania is made up of Australia, New Zealand and some other countries.
«اقیانوسیه از استرالیا، نیوزلند و چند کشور دیگر تشکیل شده است.»

around *(adv.)* حدودِ، اطرافِ
They went around five o'clock.
«آن‌ها حدود ساعت پنج رفتند.»

learner *(n.)* فراگیر، یادگیرنده، شاگرد
My brother is a fast learner.
«برادر من یادگیرندهٔ سریعی است.»

interestingly *(adv.)* به طور جالب توجه، جالب این‌که
Interestingly, nobody could speak Chinese there.
«جالب این‌که در آن‌جا هیچ‌کس نمی‌توانست چینی صحبت کند.»

beginning *(n.)* ابتدا
We're going to Japan at the beginning of July.
«ما در ابتدای جولای به ژاپن می‌رویم.»

nearly *(adv.)* تقریباً
Nearly 100 people attended the ceremony.
«تقریباً ۱۰۰ نفر در آن مراسم حضور پیدا کردند.»

such *(det., pron.)* چنین، این‌چنین
As the speakers of such languages grow old and die, their languages will die.
«هم‌چنان که گویش‌وران چنین زبان‌هایی پیر می‌شوند و می‌میرند، زبان‌شان (هم) خواهد مرد.»

grow *(v.)* شدن
Children grow fat because they eat fast food.
«کودکان چاق می‌شوند زیرا فست فود می‌خورند.»

valuable *(adj.)* با ارزش، ارزشمند
You can find a lot of valuable information in this book.
«شما می‌توانید در این کتاب اطلاعات ارزشمند زیادی را بیابید.»

difference *(n.)* تفاوت، اختلاف
There's no difference between the two houses. They look exactly the same.
«هیچ تفاوتی بین این دو خانه نیست. آن‌ها دقیقاً شبیه به نظر می‌رسند.»

ترجمهٔ متن کتاب درسی

زبان‌های دنیا "Languages of the World"

Language is a system of communication.(1) It uses written and spoken forms.(2) People use language to communicate with each other in a society.(3) They exchange knowledge, beliefs, wishes, and feelings through it.(4)

زبان سیستم برقراری ارتباط است.(۱) آن از شکل‌های نوشتاری و گفتاری استفاده می‌کند.(۲) مردم در جامعه از زبان استفاده می‌کنند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.(۳) آن‌ها از طریق آن (زبان) تبادل دانش، عقاید، آرزوها و احساسات می‌کنند.(۴)

***

Languages vary greatly from region to region.(1) They are so different that a person may not understand the language of someone from another region, country or continent.(2) It is not surprising to hear that today about 7000 languages exist in the world.(3) There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the Americas, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Oceania.(4)

زبان‌ها از یک منطقه به منطقهٔ دیگر خیلی فرق می‌کنند.(۱) آن‌ها آن‌قدر متفاوت هستند که یک شخص ممکن است زبان یک نفر از یک منطقه، کشور یا قارهٔ دیگر را درک نکند.(۲) جای تعجب نیست که بشنویم امروزه حدود ۷۰۰۰ زبان در دنیا وجود دارند.(۳) در آفریقا بیش از ۲۰۰۰ (زبان)، در آمریکا ۱۰۰۰ (زبان)، در آسیا بیش از ۲۲۵۰ (زبان)، در اروپا حدود ۲۳۰ (زبان) و در اقیانوسیه بیش از ۱۳۰۰ زبان وجود دارند.(۴)

***

Native speakers of these languages range in number from very large, with hundreds of millions of speakers, to very small, with fewer than 10 speakers.(1) The most popular language in the world is Chinese.(2) More than one billion people in the world speak Chinese.(3)

گویش‌ورهای بومی این زبان‌ها از نظر تعداد از خیلی زیاد، با صدها میلیون گویش‌ور، تا خیلی کم، با کم‌تر از ۱۰ گویش‌ور متغیر هستند.(۱) پرطرفدارترین زبان دنیا چینی است.(۲) بیش از یک میلیارد نفر در دنیا چینی صحبت می‌کنند.(۳)

***

Interestingly, English has fewer native speakers than Chinese, but there are about one billion learners of English all around the world.(1) They learn English as an international language.(2)

جالب این‌که انگلیسی گویش‌ورهای بومی کم‌تری از چینی دارد اما در سرتاسر جهان حدود یک میلیارد فراگیر انگلیسی وجود دارد(۱). آن‌ها زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان بین‌المللی یاد می‌گیرند.(۲)

***

About fifty percent of the world's languages have fewer than 5000 speakers.(1) In the beginning of this century, 204 languages had fewer than 10 speakers and 344 languages had between 10 and 99 speakers.(2) The 548 languages with fewer than 99 speakers make up nearly 8 percent of the world's languages.(3) We call them "endangered languages".(4) As the speakers of such languages grow old and die, their languages will die, too.(5)

حدود پنجاه درصد از زبان‌های دنیا کم‌تر از ۵۰۰۰ گویش‌ور دارند.(۱) در ابتدای این قرن، ۲۰۴ زبان کم‌تر از ۱۰ گویش‌ور و ۳۴۴ زبان بین ۱۰ تا ۹۹ گویش‌ور داشتند.(۲) ۵۴۸ زبان با کم‌تر از ۹۹ گویش‌ور حدود ۸ درصد زبان‌های دنیا را تشکیل می‌دهند.(۳) ما آن‌ها را «زبان‌های در معرض خطر» می‌نامیم.(۴) هم‌چنان‌که گویش‌ورهای چنین زبان‌هایی پیر می‌شوند و می‌میرند، زبان‌هایشان نیز خواهند مرد.(۵)

***

All languages are really valuable, despite their differences.(1) Every language is an amazing means of communication that meets the needs of its speakers.(2) It is impossible to imagine the world without language.(3) Therefore, we should respect all languages, no matter how different they are and how many speakers they have.(4)

همهٔ زبان‌ها علی‌رغم اختلاف‌هایشان واقعاً با ارزش هستند.(۱) هر زبانی یک وسیلهٔ ارتباطی شگفت‌انگیز است که نیازهای گویش‌ورهایش را برآورده می‌کند.(۲) غیرممکن است که دنیا را بدون زبان تصور کرد.(۳) بنابراین، ما باید به همهٔ زبان‌ها احترام بگذاریم، مهم نیست که آن‌ها چقدر متفاوت هستند و چند گویش‌ور دارند.(۴)

درسنامه

Reading Strategy

Scanning

شما می‌توانید برای پیدا کردن سریع **اطلاعات خاص** مانند عدد، نام، کلمه یا عبارت، یک متن را scan کنید.

برای scan کردن مرحله‌های زیر را انجام دهید:

۱- از اطلاعاتی که به دنبال آن هستید یک تصویر شفاف در ذهن خود بسازید.

۲- آن اطلاعات را جست‌وجو کنید.

۳- چشم‌های خود را به سرعت روی متن حرکت دهید. همهٔ کلمه‌ها را نخوانید. هر موقع اطلاعات را پیدا کردید، متوقف شوید، جمله را بخوانید و اطلاعات را علامت بزنید.

تمرین بدون این‌که متن را بخوانید، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

The Giant Panda is a superstar in the animal kingdom. The forests where pandas live are becoming smaller and smaller, so they may not be able to find mates or food anymore. They only live in the forests of China. The Giant Pandas' favorite food is bamboo. Sometimes they also eat small animals and insects, as well as fruits. Giant Pandas are part of the bear family. When awake, they are almost always eating bamboo. They just love to eat!

a) Find TWO 'proper nouns'. 1) ..... 2) .....

b) Find TWO 'adverbs of frequency'. 1) ..... 2) .....

c) What do pandas eat? .....

پاسخ:

a) همان‌طور که می‌دانید « Proper noun » یا اسم خاص، اسمی است که با حرف بزرگ شروع می‌شود، پس به دنبال کلمه‌هایی باشید که با حرف بزرگ شروع شده و اسم یک «چیز خاص» هستند. پس پاسخ سؤال (a) دو کلمهٔ Giant Panda و China هستند.

b) قبلاً آموختید که adverbs of frequency (قیدهای تکرار) کلمه‌های always, usually, often, sometimes, never هستند، در نتیجه با حرکت سریع چشم به دنبال آن‌ها باشید. پس پاسخ سؤال (b) sometimes و always هستند.

c) برای پاسخ به این سؤال دنبال کلمه‌های کلیدی eat و food باشید. با توجه به این، پاسخ سؤال (c) به‌صورت زیر است:

bamboo, small animals , insects, fruits

امتحان

جلد دوم :

درس اوّل

Lesson 1

Understanding People

انگلیسی یازدهم
English 11

سیر تا پیاز

Questions ۱ سؤالات امتحانی درس

Lesson 1

PART 1 (Pages 15 - 20)
Title Page - Get Ready - Conversation

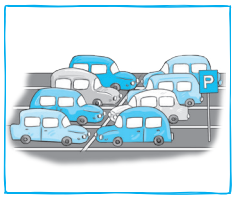
VOCABULARY واژگان

۱. هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

1. This is a parking lot. ( )
2. Don't swim here. ( )
3. I'm reading a storybook. ( )
4. I'm a high school student. ( )


a


c


b


d

۲. در هر ردیف، کلمهٔ ناهماهنگ را مشخص کنید.

5. grass – f lower – point – plant
6. Russian – Japan – Persian – Italian

۳. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده‌شده کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

available – honest – points – written – grass – fluently – experience

7. The best way to learn is by ..... .
8. She made several interesting ..... in the booklet.
9. French was a language he never spoke ..... .
10. My dad is cutting the ..... in the garden.
11. We are going to have a ..... exam.
12. This dress is also ..... in larger sizes.

۴. جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

13. A: What is Fred like? B: To be ..... with you, I don't like him very much.
14. I tried to speak to her in her native ..... French.
15. She spoke loudly because her mother is a little ..... . She can't hear well.
16. A: Thanks for your help. B: ..... .
17. Deaf people use ..... language to communicate.

۵. کلمه‌ها یا عبارت‌های دو ستون را به هم وصل کنید و عبارت معنی‌داری بسازید و آن‌ها را بنویسید.

18. learn	a. with people
19. write	b. your cellphone
20. turn off	c. a language
21. communicate	d. a storybook

۶. هر کلمه را به تعریف آن وصل کنید (یک تعریف اضافه است).

A		B	
22 early	( )	a	a school for young people between the ages of 14 and 18
23 available	( )	b	exchange information, ideas etc.
24 deaf	( )	c	not able to hear anything
25 high school	( )	d	ready for you to use, have or see
		e	before the usual or right time

۷. مترادف یا متضاد کلمه‌های مشخص‌شده را از داخل کادر پیدا کنید و جلوی جمله بنویسید (یک کلمه اضافه است).

begin - turn on - written - absolutely - late

26 We surely love the car. .....

27 You must turn off your cell phone here. .....

28 I got the job and I start work on Monday! .....

29 She works the early shift. .....

۸. هر سؤال و پاسخ آن را با هم جور کنید.

30 How many languages do you speak fluently?	( )	a	I can swim and draw good pictures.
31 When did you learn Spanish?	( )	b	It is not absolutely clear.
32 Where can I park my car?	( )	c	I speak Spanish and Portuguese very well.
33 What does the sign show?	( )	d	I began studying it when I was in Madrid.
34 Does he have any experience?	( )	e	There's a parking lot round the corner.
35 What are your abilities?	( )	f	It says, "Keep off the grass."

Lesson 1

PART 2 (Pages 21 - 23)

New Words & Expressions

VOCABULARY واژگان

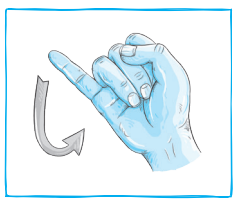
۹. هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

36 I think around thirty percent of people live in villages. ( )

37 Deaf people use sign language to communicate. ( )

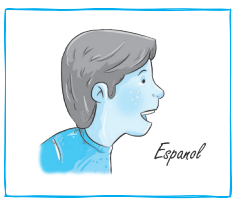
38 Did you know that this is the poorest continent in the world? ( )

39 My friend's native language is Spanish not English. ( )

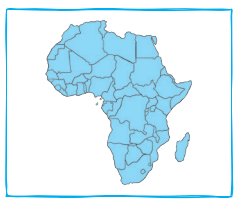

a



b



c


d

۱۰. مترادف یا متضاد کلمه‌های مشخص‌شده را از داخل کادر پیدا کنید و جلوی جمله بنویسید (یک کلمه اضافه است).

change – start – place – mental – late

40 Where's Italy's best region? .....
41 Our menus vary with the season. .....
42 Come here in the early afternoon. .....
43 When does the quiz show begin tonight? .....

۱۱. هر جمله را با یک کلمهٔ مناسب کامل کنید. (حرف اول کلمه داده شده است.)

44 Does water really e ..... on Mars?
45 She was worried about her son's m ..... and physical development.
46 The boys started playing d ..... the fact that it was raining.
47 Millions of people celebrated the beginning of the 21st c ..... on January 1, 2000.
48 The world's p ..... is increasing rapidly. Now Billions of people live on Earth.

۱۲. هر تعریف را با کلمهٔ مرتبط با آن جور کنید (یک کلمه اضافه است).

49 the power and knowledge to do something ( )
50 the number of people who live in a place ( )
51 to tell someone about something ( )
52 liked by a lot of people ( )
53 how much money you pay to buy something ( )

a explain
b price
c society
d population
e ability
f popular

۱۳. پاسخ درست را انتخاب کنید.

54 The birds come back to this ..... every year.
① region ② price ③ century ④ language

55 Alex has shown some ..... with foreign languages.
① century ② society ③ ability ④ family

56 This center helps people with ..... illness.
① favorite ② mental ③ native ④ selfish

57 She has had a number of different jobs, ... from cook to teacher.
① existing ② forming ③ ranging ④ imagining

58 I could hear every ..... they were saying.
① word ② space ③ institute ④ tongue

59 One of the large land masses of the earth such as Europe or Africa is called a/an ..... .
① foreigner ② world ③ price ④ continent

۱۴. هر جمله را با دانش خود و فقط با یک کلمه کامل کنید.

60 This institute ..... the needs of all students.
61 They opened the door by ..... of an old key.
62 Don't take any ..... of what you read in the newspapers.
63 This MP3 player can save thousands of hours of music ..... its small size.

Lesson 1

PART 3 (Pages 24 - 27)

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development

VOCABULARY واژگان

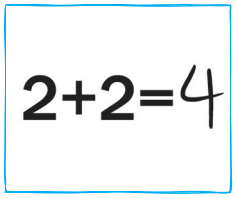
۱۵. هر کلمه را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

64 tiny ( )
65 easy ( )
66 wish ( )
67 give up ( )


a


b


c



d

۱۶. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده‌شده کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

seek – through – speaker – luckily – exist – forming – largely – grew – probable

68 Few of these monkeys still ..... in the wild.
69 The water ran ..... my fingers.
70 The library has an interesting talk by a visiting ..... every month.
71 The sky ..... dark and it began to rain.
72 The water is fast, ..., I am a good swimmer.
73 Her early experiences played an important role in ..... her personality.
74 It is ..... that life exists outside of our planet.
75 My grandfather went to the hospital to ..... help for his stomach pain.

۱۷. جدول زیر را کامل کنید.

76 A: Are ‘greatly’ and ‘largely’.....? B: I’m not sure.
77 The program is ..... the computer’s files.
78 My grandfather’s gold watch is really ..... .
79 I am learning a new ..... these days.

76	S						M	S
77	S	C						G
78	V							E
79	L		N					E

۱۸. جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

80 The movie was boring, ... we left the cinema.
81 Language is a system of ..... all around the world.
82 I’m going to do it, no ..... what people say.

Answers پاسخ‌نامهٔ تشریحی درس ۱

. (b) «این یک پارکینگ است.»
. (c) «این‌جا شنا نکنید.»
. (d) «من در حال خواندن کتاب داستان هستم.»
. (a) «من دانش‌آموز دبیرستان هستم.»
. "point" «چمن - گُل - نکته - گیاه»
۶. "Japan" «زبان روسی - ژاپن - زبان فارسی - زبان ایتالیایی»
. "experience" «بهترین راه یادگیری از طریق تجربه است.»
. "points" «او در آن کتابچه به چند نکتهٔ جالب اشاره کرد.»
. "fluently" «فرانسوی زبانی بود که او هرگز آن را سلیس صحبت نکرد.»
۱. "grass" «بابای من در حال قطع (کوتاه) کردن چمن در باغ است.»
۱. "written" «ما قرار است آزمون نوشتاری (کتبی) داشته باشیم.»
۱۲. "available" «این پیراهن زنانه در سایزهای بزرگ‌تر نیز قابل دسترس است.»
۱۳. "honest" «فِرِد چه شخصیتی دارد؟» «صادقانه به شما بگویم، من او را خیلی دوست ندارم.»
۱۴. "language" «من سعی کردم با او به زبان بومی‌اش، فرانسوی صحبت کنم.»
۱۵. "deaf" «او بلند صحبت کرد زیرا مادرش کمی ناشنوا است. او نمی‌تواند خوب بشنود.»
۱. "You're welcome." «از کمک‌تان متشکرم.» «خواهش می‌کنم.»
۱۷. "sign" «افراد ناشنوا از زبان اشاره استفاده می‌کنند تا ارتباط برقرار کنند.» (**توضیح:** sign language یعنی زبان اشاره.)
۱. "learn a language" «یاد گرفتن یک زبان»
۱. "write a storybook" «نوشتن کتاب داستان»
۲. "turn off your cellphone" «خاموش کردن تلفن همراه‌تان»
۲. "communicate with people" «ارتباط برقرار کردن با مردم»
۲۲. "e" «زود = قبل از زمان معمول یا درست»
۲۳. "d" «قابل دسترس = آماده برای شما جهت استفاده کردن، داشتن یا دیدن»
۲۴. "c" «ناشنوا = قادر نبودن به شنیدن هیچ چیز»
۲۵. "a" «دبیرستان = مدرسه‌ای برای افراد جوان بین سنین ۱۴ تا ۱۸»
۲. "absolutely" «ما حتماً اتومبیل را دوست داریم.»
۲. "turn on" «شما باید این‌جا تلفن همراه‌تان را خاموش کنید.»
۲. "begin" «من آن شغل را گرفتم و کار را از دوشنبه شروع می‌کنم!»
۲. "late" «او در شیفت زود کار می‌کند.»

۳۰. "c" «شما چند زبان را سلیس صحبت می‌کنید؟» «من اسپانیایی و پرتغالی را خیلی خوب صحبت می‌کنم.»
۳۱. "d" «اسپانیایی را چه موقع یاد گرفتید؟» «من وقتی در مادرید بودم شروع به خواندن آن کردم.»
۳۲. "e" «من کجا می‌توانم اتومبیلم را پارک کنم؟» «یک پارکینگ در همین نزدیکی است.»
۳۳. "f" «آن علامت چه چیزی را نشان می‌دهد؟» «آن می‌گوید: وارد چمن نشوید.»
۳. "b" «آیا او هیچ تجربه‌ای دارد؟» «آن دقیقاً شفاف (مشخص) نیست.»
۳۵. "a" «توانایی‌های تو چه هستند؟» «من می‌توانم شنا کنم و تصویرهای خوب طراحی کنم.»
۳۶. "b" «من فکر می‌کنم حدود سی درصد مردم در روستاها زندگی می‌کنند.»
۳. "a" «افراد ناشنوا برای ارتباط برقرار کردن از زبان اشاره استفاده می‌کنند.»
۳. "d" «آیا می‌دانستی که این فقیرترین قاره در جهان است؟»
۳. "c" «زبان بومی دوست من اسپانیایی است نه انگلیسی.»
۴. "place" «بهترین منطقهٔ ایتالیا کجا است؟»
۴. "change" «منوهای ما با فصل تغییر می‌کند.»
۴. "late" «بعد از ظهر زود به این‌جا بیایید.»
۴. "start" «مسابقهٔ تلویزیونی امشب چه موقع شروع می‌شود؟»
۴. "exist" «آیا آب واقعاً در مریخ وجود دارد؟»
۴. "mental" «او در مورد رشد جسمی و عاطفی پسرش نگران بود.»
۴۶. "despite" «آن پسرها علی‌رغم این حقیقت که باران می‌بارید، شروع به بازی کردند.»
۴۷. "century" «میلیون‌ها نفر آغاز قرن ۲۱ را در اول ژانویه ۲۰۰۰ جشن گرفتند.»
۴۸. "population" «جمعیت دنیا به سرعت در حال افزایش یافتن است. حالا میلیاردها نفر روی زمین زندگی می‌کنند.»
۴۹. "e" «قدرت و دانش برای انجام کاری = توانایی»
۵۰. "d" «تعداد افرادی که در یک مکان زندگی می‌کنند = جمعیت»
۵۱. "a" «گفتن به شخصی در مورد چیزی = توضیح دادن»
۵۲. "f" «دوست داشته‌شده توسط بسیاری از مردم = محبوب»
۵۳. "b" «مقدار پولی که برای خریدن چیزی می‌پردازید = قیمت»
۵. گزینهٔ (۱) - «پرنده‌ها هر سال به این منطقه باز می‌گردند.»

۱ منطقه ۲ قیمت
۳ قرن ۴ زبان

۵. گزینهٔ (۳) – «الکس (از خود) در زبان‌های خارجی توانایی نشان داده است.»
۱) قرن ۲) جامعه
۳) توانایی ۴) خانواده

۵. گزینهٔ (۲) – «این مرکز به افراد دارای بیماری عاطفی کمک می‌کند.»
۱) مورد علاقه ۲) عاطفی
۳) بومی ۴) خودخواه

۵۷. گزینهٔ (۳) – «او تعدادی شغل مختلف داشته است، متغیر از آشپز گرفته تا معلم.»
۱) وجود داشتن ۲) تشکیل دادن
۳) متغیر بودن ۴) تصور کردن

۵. گزینهٔ (۱) – «من می‌توانستم هر کلمه‌ای را که آن‌ها می‌گفتند، بشنوم.»
۱) کلمه ۲) فضا
۳) مؤسسه ۴) زبان

۵۹. گزینهٔ (۴) – «یکی از توده‌های خشکی کرهٔ زمین مانند اروپا یا آفریقا قاره نامیده می‌شود.»
۱) خارجی ۲) دنیا
۳) قیمت ۴) قاره

۶۰. "meets" «این مؤسسه نیازهای همهٔ دانش‌آموزان را برآورده می‌کند.»
۶. "means" «آن‌ها در را به وسیلهٔ یک کلید قدیمی باز کردند.»
۶. "notice" «هیچ توجهی به آن‌چه در روزنامه‌ها می‌خوانید نکنید.»
۶۳. "despite" «این پخش کنندهٔ MP3 می‌تواند علی‌رغم اندازهٔ کوچکش هزاران ساعت موسیقی را ذخیره کند.»
۶. "c" «خیلی کوچک، ریز»
۶. "d" «آسان»
۶. "a" «آرزو»
۶. "b" «ترک کردن»
۶۸. "exist" «تعداد خیلی کمی از این میمون‌ها هنوز در حیات وحش وجود دارند.»
۶. "through" «آب از لابه‌لای انگشت‌های من عبور کرد.»
۷۰. "speaker" «این کتابخانه هر ماه یک سخنرانی جالب توسط یک سخنران بازدیدکننده دارد.»
۷. "grew" «آسمان تاریک شد و باران شروع به باریدن کرد.»
۷. "luckily" «آب سریع است، خوشبختانه من شناگر خوبی هستم.»
۷۳. "forming" «تجربه‌های اولیهٔ او نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت او بازی کرد.»
۷۴. "probable" «این‌که زندگی در خارج از سیارهٔ ما وجود داشته باشد محتمل است.»

۷۵. "seek" «پدربزرگ من به آن بیمارستان رفت تا برای درد شکمش کمک جست‌وجو کند (به دنبال کمک بگردد).»
۷۶. "synonyms" «آیا greatly و largely مترادف هستند؟» «من مطمئن نیستم.»
۷. "scanning" «آن برنامه در حال اسکن کردن فایل‌های کامپیوتر است.»
۷. "valuable" «ساعت طلای پدربزرگم واقعاً با ارزش است.»
۷. "language" «من این روزها در حال یادگیری زبان جدیدی هستم.»
۸۰. "so / therefore" «آن فیلم کسل‌کننده بود، بنابراین ما سینما را ترک کردیم.»
۸. "communication" «زبان سیستم برقراری ارتباط در تمام دنیا است.»
۸۲. "matter" «من قصد دارم آن را انجام دهم، مهم نیست مردم چه می‌گویند. (عبارت no matter یعنی «مهم نیست.»)»
۸۳. "d" «فراگیر = شخصی که سعی دارد دانش یا مهارت در چیزی را به‌دست بیاورد»
۸۴. "a" «گفته‌شده، شفاهی = استفاده از سخن و نه نوشتن»
۸۵. "c" «مترادف = کلمه‌ای که با یک کلمهٔ دیگر در همان زبان معنی مشابهی دارد»
۸۶. "e" «بوم، بومی = مربوط به جایی که یک شخص متولد شده یا بزرگ شده»
۸۷. "b" «ساده = سخت نبودن برای درک کردن یا انجام دادن»
۸. "native speaker" «گویش‌ور بومی»
۸. "exchange knowledge" «تبادل دانش کردن»
۹. "hundreds of thousands" «صدها هزار»
۹. "endangered languages" «زبان‌های در معرض خطر»
۹. "meet the needs" «برآورده کردن نیازها»
۹. "loaves" «دو قرص نان»
۹. "bottle" «یک بطری شیر»
۹. "slice" «یک برش هندوانه»
۹. "bag" «یک گونی برنج»
۹. "glasses" «تعدادی لیوان آب»
۹. "piece / slice" «یک تکه / برش کیک»
۹. "glass" «شکر – برنج – قهوه – لیوان»
۱۰. "slice" «بطری – برش – لیوان – گونی»
۱۰. "bread" «نان – آبمیوه – آب – شیر»
۱۰. "Canadian" «ملیت جو چیست؟» «فکر کنم او کانادایی است.»
۱۰. "traffic" «ما سعی داریم ترافیک (بازدید) سایت‌مان را افزایش دهیم.»